

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۰ / ۸ / ۱۰

کتابخانه مرکزی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه مرکزی

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

نقش بی‌ثباتی داخلی در شکل‌گیری حکومت پهلوی اول

نگارش: معصومه رضایی‌نژاد

015239

استاد راهنما: آقای دکتر صادق زیباکلام

استاد مشاور: آقای دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته علوم سیاسی

تیر ۱۳۸۰

۳۸۵۸۹



فرم ارزشیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: علوم سیاسی

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقطع کارشناسی ارشد دانشجویان دانشگاه تهران

معمومه رضایی نژاد : به شماره دانشجویی: ۲۱۰۱۷۷۱۴۲ در رشته: علوم سیاسی

گرایش: علوم سیاسی پایان نامه خود به ارزش: ۴ واحد راکه در نیمسال اول سال تحصیلی: ۷۸-۷۹-۱
اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: نقش بی ثباتی داخلی در شکل گیری حکومت پهلوی اول

داور

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر زیباکلام استاد مشاور: دکتر محمد محمدی استاد مشاور دوم (حسب مورد): دکتر احمدی
در تاریخ: ۸۰/۴/۱۸ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (موفقیت / عدم موفقیت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

| اسامی هیأت داوران | مرتبه علمی | محل اشتغال | امضاء |
|--|------------|---------------------------|-------|
| ۱- استاد راهنما: دکتر صادق زیباکلام | دانشیار | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |
| ۲- استاد مشاور: دکتر حمیدرضا ملک محمدی | استادیار | " " " | |
| ۳- استاد داور: دکتر حمید احمدی | دانشیار | " " " | |
| ۴- استاد داور: | | | |
| ۵- استاد داور یا استاد مشاور دوم: | | | |

نمره نهایی هیأت داوران:

| | |
|--------|------------|
| به عدد | به حروف |
| ۱۹۱۵ | نوزده و یک |

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی مبذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر حمید احمدی امضاء و تاریخ: ۸۰/۴/۱۸

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.
تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

چکیده

انقلاب مشروطه بر اثر اختلافات درونی و فشارهای خارجی نتوانست نظام سیاسی جدید و کارآمدی جایگزین نظام فرسوده و ناکارای پیشین سازد. اجرای اصلاحات مورد نظر مشروطه - خواهان نیازمند وفاق اجتماعی، گسترش دامنه وفاداری‌ها به سطح ملی، میزان حداقلی از توسعه اقتصادی، تمرکز قدرت، ایجاد نهادهای قانون‌مند و عقلایی و... بود. پیامد عدم موفقیت مشروطه در ایجاد این چارچوب‌های قانونی و ناتوانی در تشکیل دولت‌های با ثبات، رشد و گسترش آشوب و هرج و مرج در سراسر کشور بود. درگیری میان نیروهای سیاسی در تهران، وقوع قیام‌های محلی، طغیان عشایر و ترمز متنفذین، حضور گسترده نیروهای بیگانه در کشور، تغییر پی‌درپی کابینه‌ها، رشد خشونت در شهرها و گسترش راهزنی در جاده‌ها، کاهش فعالیت‌های اقتصادی و... از رنگ باختن سریع حاکمیت دولت و فقدان وحدت ملی حکایت می‌کرد.

تشکیل کانون‌های قدرت محلی که در مواردی شکل کاملاً تمرکزگرایز به خود گرفت و از حمایت بیگانگان بهره‌مند شد، حاکمیت ملی را به شدت کم‌رنگ ساخت و احتمال تجزیه ایران را قوت بخشید. شرایط متحول بین‌المللی نیز در تشدید معضلات ایران موثر واقع شد. در واقع شکل نگرفتن سامان و ثبات سیاسی - اجتماعی جدید پس از انقلاب مشروطه و ضعف دولت‌های وقت در حل یا کنترل این بحران‌ها سبب عمق یافتن بحران و تداوم آن برای سالیان متمادی شد. این دولت‌ها به دلیل نداشتن نیروی نظامی ملی با فرماندهی واحد و بحران‌های مالی توان اعمال اقتدار و حل مشکلات را

نداشتند. این شرایط به شدت بی ثبات و آکنده از تهدید بر امنیت اقتصادی، اجتماعی و روانی جامعه ایران اثر منفی داشت، جامعه‌ای که قبلاً با عدم توفیق مشروطه در اجرای اصلاحات و نوسازی به یأس و سرخوردگی رسیده بود. اوضاع بی ثبات ایران طی سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۸۵ نقش تعیین کننده‌ای در ضرورت فوری برقراری نظم، امنیت و ثبات و در یک کلام تشکیل یک حکومت مقتدر داشت زیرا بار دیگر در تاریخ ایران «امنیت» به عنوان ارزش برتر سربرآورد، ارزشی که همگان با هرنوع تفکر و گرایشی برسر آن توافق داشتند. بی ثباتی که در آن سال‌ها رخ داد همراه با ضرورت‌های نوسازی اقتصادی - اجتماعی زمینه ساز تحولاتی گشت که به ظهور و قدرت‌یابی سریع رضاخان و صعود او به مقام سلطنت در ایران انجامید. او به اتکای ارتش نوین ایران که در سال ۱۳۰۰ پس از انتصاب به وزارت جنگ مبادرت به تشکیل آن نمود، توانست آرامش و ثبات نسبی در بخش‌های مختلف ایران برقرار سازد و با مسلط ساختن نظامیان بر امور کشوری، بردیگر نیروهای سیاسی سلطه یافته و راه خود را برای صعود به رأس هرم قدرت هموار سازد.

**این نوشتار فرصتی پدید آورد تا سپاس و
تشکر خود را به حضور استادان گرانقدر**

جناب آقای دکتر صادق زیباکلام (استاد راهنما)

جناب آقای دکتر حمیدرضا ملک محمدی (استاد مشاور)

و

جناب آقای دکتر حمید احمدی

که زحمت داوری پایان نامه را عهده دار گشتند،

تقدیم دارم. عمرشان طولانی و زندگی شان پربارتر

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|-------------------------|
| ۱ | طرح مسئله |
| ۳ | اهمیت موضوع و هدف پژوهش |
| ۴ | فرضیه |
| ۴ | متغیرها |
| ۵ | تعریف مفاهیم |
| ۵ | ادبیات موضوعی |
| ۶ | سازماندهی پژوهش |

فصل اول

دلایل شکست انقلاب مشروطه

| | |
|----|--|
| ۱۰ | ۱-۱: تداوم فرهنگ سیاسی پاتریمونیالیستی |
| ۱۱ | ۱-۱-۱: مطبوعات |
| ۱۳ | ۲-۱: تغییر نیافتن ساختار سیاسی ایران |
| ۱۴ | ۱-۲-۱: مجلس |
| ۱۶ | ۲-۲-۱: انجمن‌ها و احزاب |
| ۲۰ | ۳-۱: مخالفت علما و روحانیون |
| ۲۱ | ۴-۱: ضعف پایگاه اجتماعی جنبش مشروطه |
| ۲۴ | ۵-۱: شرایط نامساعد اقتصادی |
| ۲۶ | ۶-۱: مداخلات دولت‌های خارجی |
| ۳۲ | مراجع فصل اول |

فصل دوم

گرایش‌های واگرایانه محلی و رشد از هم گسیختگی نیروهای اجتماعی

| | |
|----|--------------------|
| ۳۶ | ۱-۲: جنبش‌های محلی |
|----|--------------------|

| | |
|-----|---|
| ۳۷ | ۱-۱-۲: آذربایجان |
| ۳۷ | - نهضت قیامیون به رهبری شیخ محمد خیابانی |
| ۴۲ | - شورش ابوالقاسم لاهوتی |
| ۴۷ | ۲-۱-۲: گیلان |
| ۴۷ | - جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان |
| ۵۴ | ۳-۱-۲: خراسان |
| ۵۴ | - قیام ژاندارمری خراسان به رهبری کلنل محمدتقی پسیان |
| ۶۳ | ۲-۲: نقش اقوام، ایلات و عشایر در ایجاد بی‌ثباتی |
| ۶۴ | ۱-۲-۲: ایلات و عشایر غرب ایران |
| ۶۴ | - کردها |
| ۷۲ | - لرها |
| ۷۴ | ۲-۲-۲: ایلات و عشایر جنوب ایران |
| ۷۴ | - فارس: قشقایی‌ها و ایل خمسه |
| ۸۱ | - بوشهر: تنگستانی‌ها |
| ۸۵ | ۳-۲-۲: اعراب |
| ۹۰ | ۴-۲-۲: بلوچ‌ها |
| ۹۲ | ۵-۲-۲: ترکمن‌ها |
| ۹۶ | ۶-۲-۲: شاهسون‌ها |
| ۱۰۳ | مراجع فصل دوم |

فصل سوم

بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی

| | |
|-----|--|
| ۱۱۳ | ۱-۳: تزلزل و بی‌ثباتی کابینه‌ها |
| ۱۱۹ | - دولت موقت کرمانشاه |
| ۱۲۵ | جدول کابینه‌های ایران در سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۸۵ |

| | |
|-----|--|
| ۱۲۹ | ۲-۳: رشد خشونت اجتماعی - سیاسی |
| ۱۳۱ | - کمیته مجازات |
| ۱۳۵ | ۳-۳: نقش متمردين و متنفذين در ايجاد بي ثباتي |
| ۱۳۵ | - متمردين |
| ۱۴۰ | - متنفذين |
| ۱۴۴ | مراجع فصل سوم |

فصل چهارم

اوضاع نابسامان اقتصادی ایران

| | |
|-----|-----------------|
| ۱۴۹ | ۱-۴: وضعیت مالی |
| ۱۵۱ | ۲-۴: کشاورزی |
| ۱۵۴ | ۳-۴: صنایع |
| ۱۵۶ | ۴-۴: تجارت |
| ۱۶۰ | مراجع فصل چهارم |

فصل پنجم

شرایط بین‌المللی مؤثر در ایجاد بی‌ثباتی و شکل‌گیری کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

| | |
|-----|----------------|
| ۱۷۶ | مراجع فصل پنجم |
| ۱۷۸ | نتیجه‌گیری |
| ۱۸۳ | منابع فارسی |
| ۱۸۸ | منابع انگلیسی |

طرح مسئله

بررسی و توضیح حوادث و تحولاتی که طی سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۸۵ در ایران به وقوع پیوست و زمینه‌ساز کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سپس به سلطنت رسیدن عامل نظامی کودتا و تشکیل حکومت پهلوی اول گشت، از مسائلی بوده است که علی‌رغم گذشت سال‌ها از آن واقعه، هنوز مورد توجه پژوهشگران است.

سال ۱۲۸۵ انقلاب مشروطه به دنبال عدم تحقق اصلاحات از سوی دولت‌مردانی همچون امیرکبیر و سپهسالار، ... و شکاف فزاینده میان تحولات درونی جامعه و ساختار سیاسی تحول نیافته آن، به پیروزی رسید. از همان ابتدا مخالفت‌های زیادی از سوی محمدعلی‌شاه، دربار، بخشی از علما و روحانیون و دولت روسیه با مشروطه صورت گرفت. اوج این مخالفت‌ها به توپ بستن مجلس در تیر ۱۲۸۷ بود که به خاتمه مشروطه اول و شروع استبداد صغیر انجامید. در این دوره ایران شاهد رشد خشونت‌های اجتماعی و سیاسی در پایتخت و همچنین در ایالات مختلف، به خصوص آذربایجان، بود. با مبارزات مجاهدان مشروطه‌خواه، تهران در سال ۱۲۸۸ از سوی نیروهای بختیاری و نیروهای گیلان فتح شد و مجلس شورای ملی دوم افتتاح گشت. از اواسط همین سال اختلاف میان نمایندگان جناح‌های مختلف مجلس به اندازه‌ای شدید شد که به سطح خیابان‌ها کشید. ترور آیت‌الله بهبهانی و ترورهای انتقام‌جویانه بعدی نتیجه همین اختلافات و ناتوانی طرفین در رسیدن به توافق بود.

سال ۱۲۸۹ وضعیت ایالات مختلف کشور روبه‌وخامت نهاد با از بین رفتن نظم قدیم، که رابطه عشایر و شاهان قاجار بر آن پایه تنظیم شده بود، ایالات بخش‌های مختلف ایران، که اکثراً در نواحی مرزی بودند، سر به شورش برداشته و رؤسای آنان برای گسترش قلمرو نفوذ خود به مناطق همجوار

حمله کرده و با غارت این مناطق، جوی از ترس و ناامنی به وجود آوردند.

اولتیماتوم روسیه برای اخراج شوستر اختلاف میان نیروهای سیاسی را شدت بخشید و درگیری‌های مجلس و دولت را بیشتر کرد. انحلال مجلس دوم پس از این اولتیماتوم موجب سرخوردگی مشروطه‌خواهان شد و برخی از آنان را به فکر مبارزه‌ای دیگر انداخت. در بعضی از مناطق کشور نیروهایی که تفکر ناسیونالیستی و اصلاح‌طلبانه داشتند با مشاهده بی‌ثباتی و ناکارآمدی روزافزون دولت‌ها در رفع مشکلات و پیش بردن خواست‌های مشروطه، به مخالفت با سیاست‌های دولت وقت پرداخته و اقدام به تشکیل حکومت در منطقه خود کردند. این حکومت‌ها اگر چه به صراحت اعلام خودمختاری نکردند ولی علائم خودمختاری طلبی را در خود داشتند. بانیان این حکومت‌ها قصد داشتند مبارزات اصلاح‌طلبانه خود را به سراسر ایران تسری دهند و در صورت امکان با در دست گرفتن قدرت به اصلاح امور پردازند.

ورود نیروهای متخاصم به ایران در نتیجه جنگ جهانی اول موجب بی‌نظمی و آشوب بیشتری شد. این نیروها با تحریک عشایر علیه دولت‌های رقیب، برگستره هرج و مرج در ایران افزودند. حضور وسیع نیروهای بیگانه، خصوصاً نیروهای انگلیسی، حاکمیت دولت را در بخش‌های مختلف کشور به شدت تضعیف کرد. با پیشروی نیروهای روسیه به سوی تهران، مجلس شورای ملی سوم از هم پاشید و با تشکیل دولت موقت کرمانشاه از سوی برخی از نمایندگان مجلس سوم، نیروهای سیاسی - اجتماعی ایران دچار از هم گسیختگی بیشتری شدند.

جنگ جهانی خاتمه یافت اما در اکثر مناطق ایران آشوب عجیبی برپا بود. نافرمانی حکام دولتی و متنفذین، شورش عشایر، پیدایش حکومت‌های محلی در آذربایجان و خراسان، گسترش راهزنی در سراسر کشور، رشد ترور و خشونت سیاسی در تهران و بی‌ثباتی کابینه‌ها، حاکی از فقدان وحدت ملی، تعارضات سیاسی و ضعف مفرط دولت در اعمال حاکمیت و ناتوانی در کنترل این بحران بود. این بی‌ثباتی‌های شدید سیاسی - اجتماعی موجب از دست رفتن امنیت اجتماعی، اقتصادی و روانی در سطح جامعه شد.

سال ۱۲۹۹ ایران در بحران پیچیده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرو رفت. تشکیل جمهوری گیلان و حضور نیروهای بلشویک در ایران تبدیل به تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی کشور شد.

ضعف مالی و نظامی دولت همراه با بی ثباتی آن، مانع هرگونه اقدام مؤثر در رابطه با این مشکلات بود. به نظر می‌رسید ایران به بن‌بست سیاسی رسیده است. بحران‌های کشور به هیچ روش و راه حلی جواب نمی‌داد در حالی که بیم فروپاشی ایران همچنان پابرجا بود. در این سال‌ها شاید فکر کودتا در ذهن بسیاری رسوخ کرد. برخی مدرس و برخی دیگر، نیروهای ژاندارمری را در فکر کودتا می‌دانستند. اما کودتا توسط نیروهای قزاق انجام شد. روز سوم اسفند ۱۲۹۹ نیروهای قزاق که از قزوین حرکت کرده بودند با زدوخوردی مختصر وارد تهران شدند. کابینه سپهدار سقوط کرد و سیدضیاءالدین طباطبایی، عامل سیاسی کودتا، کابینه خود را تشکیل داد. ابتدا در این کابینه عامل نظامی کودتا یعنی رضاخان حضور نداشت ولی پس از مدت کوتاهی پست وزارت جنگ به او سپرده شد. وی ظرف مدت کوتاهی یعنی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ به سرعت راه صعود به قدرت را پیمود. او از فرماندهی لشکر قزاق به وزارت جنگ و سپس ریاست وزرای و فرماندهی کل قوا در ۱۳۰۲ رسید و سرانجام در پاییز ۱۳۰۴ به عنوان پادشاه ایران انتخاب شد.

اینک آنچه در این نوشتار به عنوان سؤال اصلی مطرح می‌گردد این است که دلیل تغییر حکومت در ایران و شکل‌گیری حکومت جدید چه بود؟ چه عواملی سبب شکل‌گیری حکومت پهلوی اول شد؟ کدام عوامل موجب شد جامعه ایران از انقلاب مشروطه که هدف آن برقراری قانون و دموکراسی بود به دولت مطلقه رضاشاه برسد، که اگر چه «امنیت» آورد و توانست بخشی از اصلاحات مورد نظر مشروطه را اجرا نماید، اما هدف‌های اصلی آن را پاسخی کاملاً متفاوت داد.

اهمیت موضوع و هدف پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی نقش عوامل و شرایط داخلی (اجتماعی - سیاسی) مؤثر در شکل‌گیری حکومت پهلوی اول است. با توجه به این‌که غالب آثار مربوط به این مقطع از تاریخ تحولات ایران به نقش عواملی که باعث ایجاد بی‌ثباتی در این برهه از تاریخ ایران شده‌اند، توجه زیادی ننموده و آن را به صورت مبسوط مطرح نکرده‌اند و بیشتر توجه خود را معطوف فعالیت نیروهای سیاسی در تهران نموده و در مواردی صرفاً عوامل خارجی را در پیدایش حکومت پهلوی مؤثر دانسته‌اند، در این نوشتار تلاش می‌شود با تفکیک جزء به جزء این عوامل، تأثیر هر یک از آنها در

آفرینش بی‌ثباتی مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه

مشروطه در ایجاد یک نظام سیاسی کارآمد و مقتدر موفق نبود. این انقلاب نتوانست با ایجاد چارچوب‌های قانونی و نهادهای مناسب، فعالیت گروه‌های مختلف را جهت داده و از تعارضات میان آنان بکاهد. نتیجه ناتوانی مشروطه در آفرینش سامان و ثبات سیاسی، بی‌ثباتی اجتماعی بود که خود، بی‌ثباتی سیاسی را تشدید می‌کرد. رشد اختلاف بین نیروهای سیاسی و ناتوانی دولت‌های پس از مشروطه در اعمال حاکمیت موجب رشد آشوب و هرج و مرج در سراسر ایران شد. تداوم این جوّ آکنده از بی‌نظمی، تهدید و هجوم و ناامنی، ایران را به آستانه زوال و فروپاشی رساند. شدت این بی‌ثباتی و عجز دولت‌های وقت در حل یا کنترل بحران، ضرورت فوری برقراری نظم و امنیت را مطرح ساخت که موجب تغییر حکومت و شکل‌گیری حکومتی جدید شد.

در پاسخ به سؤال اصلی این نوشتار، فرضیه اصلی این است که :

روند فزاینده بی‌ثباتی داخلی طی سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۸۵ عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری حکومت پهلوی اول بوده است.

متغیرها

با توجه به فرضیه ارائه شده متغیر مستقل، بی‌ثباتی داخلی ایران (در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی) و متغیر وابسته، تغییر شکل حکومت و شکل‌گیری حکومت پهلوی اول خواهد بود.

بی‌ثباتی داخلی ← شکل‌گیری حکومت پهلوی اول

۱۳۰۰-۱۳۰۴

۱۲۸۵-۱۲۹۹

تعریف مفاهیم

در توضیح پدیده بی‌ثباتی به شاخص‌هایی مانند نابسامانی اجتماعی توجه می‌شود. از این منظر واژه بی‌ثباتی طیف وسیعی از پدیده‌ها را دربر می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: شورش، جنگ داخلی، تظاهرات، ترور و خشونت‌های اجتماعی و سیاسی، آشوب و ... از این پدیده‌ها تحت عنوان ناآرامی‌های اجتماعی نیز یاد می‌شود. اما در بعد سیاسی، بی‌ثباتی به میزان ناپایداری کابینه‌ها، مدت دوام مدیریت اجرایی در دولت، عدم پیگیری سیاست‌ها و برنامه‌ها، شکل‌گیری واحدهای سیاسی خودمختار بدون توافق حکومت مرکزی، پیدایش کانون‌های قدرت محلی و همچنین ایجاد شرایط حاکمیت دوگانه در کشور اطلاق می‌گردد. از این دیدگاه بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند معلول عدم وفاق درباره اصول کلی و اهداف مشترک بین گروه‌های مختلف با گرایش‌های متفاوت در جامعه باشد.

ادبیات موضوعی

کتاب‌ها و نوشته‌هایی که به موضوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و به قدرت رسیدن رضاشاه پرداخته‌اند، کم نیستند اما بیشتر این نوشته‌ها به صورت بخشی کوچک در کنار بررسی دوره‌های طولانی‌تری از تاریخ ایران به رشته تحریر درآمده است و کتاب‌هایی که فقط به این دوره خاص توجه کرده‌اند از شمار کمتری برخوردارند. بسیاری از این نوشته‌ها نکته برجسته و قابل اهمیت در وقوع کودتا و تشکیل حکومت پهلوی اول را شکست قرارداد ۱۹۱۹ و نقش انگلیسی‌ها در شکل دادن به کودتا عنوان می‌کنند. این کتاب‌ها یا مقالات بسیاری از حوادث قبل و پس از کودتا را به همین عامل مربوط می‌سازند. برخی از این آثار حالت خاطره‌نویسی دارند و برخی دیگر به مسائل پس از تغییر حکومت از قاجار به پهلوی بیشتر توجه نموده‌اند. از میان این گونه آثار می‌توان به «تاریخ بیست ساله» حسین مکی، «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» اثر حسین فردوست و «برآمدن رضاخان و برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها» نوشته سیروس غنی اشاره کرد.

جان فوران در کتاب «مقاومت شکننده» به بررسی و تحلیل دوره طولانی‌تری از تاریخ ایران و از جمله عصر مشروطه می‌پردازد. وی از منظر توسعه وابسته به تحولات ایران نگریسته و می‌نویسد ایران از قرن ۱۹ با وابستگی فزاینده به دولت‌های روسیه و انگلستان در نظام جهانی سرمایه‌داری

ادغام شد. بازتاب این ادغام بر شیوه‌های تولید ما قبل سرمایه‌داری ایران، شکل‌گیری توسعه وابسته بود که بر ساختار اجتماعی ایران اثر نهاد. بخش بزرگی از جامعه ایران از این فرآیند متضرر شدند و در قالب جنبش‌های اجتماعی به اعتراض پرداخت. ویژگی بارز این جنبش‌ها، ائتلاف طبقات و گروه‌های مختلف بود. اما پس از پیروزی این جنبش‌ها، ایجاد تحول اجتماعی در ایران با مشکل روبه‌رو شد زیرا این ائتلافات بر سر نحوه شکل دادن به نظام جدید با هم اختلاف پیدا کردند و تداوم اختلاف به فروپاشی ائتلاف انجامید. به نظر فوران با پیدایش الگوی توسعه وابسته، غالباً به دولتی سرکوبگر نیاز است که نیروهای اجتماعی آزاد شده در این فرآیند را تحت کنترل نگاه دارد.

از آثاری که با دیدی ژرف‌اندیشانه به مسئله پرداخته و نقش عوامل داخلی و اجتماعی ایران را در این مورد برجسته‌تر دیده‌اند، می‌توان از «دولت و جامعه در ایران» به قلم محمدعلی (همایون) کاتوزیان نام برد. این کتاب به تازگی در ایران ترجمه شده و به چاپ رسیده است و از معدود آثاری است که دقیقاً مقطع انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی اول را (که مورد توجه این پایان‌نامه نیز می‌باشد) با دیدی نزدیک به واقعیات آن روز جامعه ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. البته در این اثر نیز مبارزه قدرت در میان نیروهای سیاسی به ویژه در پایتخت بیشتر مورد توجه بوده و از میان تحرکات سایر نیروهای اجتماعی - سیاسی، آذربایجان، گیلان و خراسان توجه بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند و تحرکات عشایر و متمردين دیگر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

سازماندهی پژوهش

این نوشتار شامل پنج فصل است. در فصل اول، دلایل ناکامی انقلاب مشروطه به طور خلاصه در شش بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل دوم با عنوان گرایش‌های واگرایانه محلی و رشد از هم گسیختگی نیروهای اجتماعی به بررسی دلایل و چگونگی پیدایش حکومت‌های محلی در مناطق مختلف ایران می‌پردازد و در بخش دوم عملکرد ایلات و عشایر در ایجاد آشوب و بی‌ثباتی بررسی می‌گردد.

فصل سوم به عواملی اختصاص دارد که بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی را طی این دوره شدت بخشیدند. هریک از مواردی که در این فصل مورد توجه قرار گرفته است موجب بی‌ثباتی فزاینده، عدم